

— مریم حقی (کورانی)

بستان (۶)

تازه های نشر عربی

زنان و تروریسم: مطالعه ای جنسیت شناختی

۱۴۰-۱۳۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مریم حقی (کورانی)

چکیده: کتاب النساء والإرهاب: دراسة جندرية، به قلم آمال قرامی و منیه العرفاوی، پژوهشی درباره زنانی است که به گروه های تروریستی پیوستند و حاصل پنج سال مشاهده، مصاحبه، و مطالعه گزارش های بین المللی و اسناد دست اول داعش است. کتاب در سال ۲۰۱۷ در تونس منتشر شده؛ کشوری که تا پیش از بهار عربی می کوشید چهره ای مدرن از زن عربی ارائه کند اما پس از آن، یکی از خاستگاه های مهم زنان داعشی گردید. نگارنده سطور حاضر، در راستای معرفی کتاب، چکیده ای از محتوای آن را پیش روی خواننده قرار می دهد.

کلیدواژه: تروریسم، مطالعه جنسیت شناختی، زنان تروریست، تونس، زنان تونس، گروه های تروریستی، داعش، زنان داعشی، کتاب النساء والإرهاب: دراسة جندرية، آمال قرامی، منیه العرفاوی، معرفی کتاب.

Women and Terrorism: Gender Studies

By: Maryam Haqqi (Koorāni)

Abstract: *Al-Nesā' wa al-Arhāb: Derāsa Genderia*, written by Āmāl Qarāmi and Mania al-Arfāvi is a study about the women who have joined terrorist groups, and is the result of five years of observation, interviewing, and studying international reports and ISIS handwritten documents. The book was published in 2017 in Tunisia, a country which, before the Arab Spring, sought to present a modern image of the Arab woman, but was later one of the main origins of ISIS women. In order to introduce this book, the author of the following article is going to provide a summary of its content.

Key words: Terrorism, Gender study, Terrorist women, Tunisia, Tunisia women, Terrorist groups, ISIS, ISIS women, *Al-Nesā' wa al-Arhāb: Derāsa Genderia*, Āmāl Qarāmi, Mania al-Arfāvi, book report.

النساء والإرهاب: قراءة جنسية

مریم حقی (کورانی)

يأتي كتاب (النساء والإرهاب: دراسة جندرية) من تأليف السيدتين آمال القرامي ومنية العرفاوي ضمن الكتب الصادرة حديثاً، وتتناول المؤلفتان فيه مسألة النساء اللاتي التحقن بالجماعات الإرهابية.

والكتاب يمثل حصيلة خمس سنوات من المشاهدات والمقابلات ومطالعة التقارير الدولية والوثائق الأصلية لحركة داعش. وقد صدر الكتاب سنة ۲۰۱۷ في تونس، ذلك البلد الذي كان يسعى - حتى حلول الربيع العربي - لتقديم صورة معاصرة وحديثة للمرأة العربية، إلا أن الأمور آلت فيه إلى أن تحول إلى واحدٍ من الحواضن المهمة المفترخة للنساء الداعشيات.

وتسعى الكاتبة في هذا المقال وضمن تعريفها بالكتاب إلى تقديم خلاصة لمحتوياته أمام أنظار القارئ العربي.

المفردات الأساسية: الإرهاب: قراءة جنسية، النساء الإرهابيات، تونس، النساء التونسيات، الجماعات الإرهابية، داعش، النساء الداعشيات، كتاب النساء والإرهاب: دراسة جندرية، آمال القرامي، منية العرفاوي، تعريف الكتاب.

بستان (۶)

زنان و تروریسم: مطالعه‌ای جنسیت‌شناختی

مریم حقی (کورانی)

النساء والإرهاب: دراسة جنديرية،
آمال قرامی و مئنة العرفاوی،
مسکيليانی للنشر والتوزيع، تونس،
۲۰۱۷.

در دنیای عربی زبان چه مطالبی درباره مسائل جهان اسلام نوشته و خوانده می‌شود؟ کتابی که در این شماره به آن می‌پردازیم، پژوهشی است درباره زنانی که به گروه‌های تروریستی پیوستند و حاصل پنج سال مشاهده، مصاحبه و مطالعه گزارش‌های بین‌المللی و اسناد دست‌اول داعش است. این کتاب دو نویسنده دارد: یک استاد مطالعات جنسیت و یک روزنامه‌نگار. کتاب در تونس نوشته شده؛ کشوری که تا پیش از بهار عربی می‌کوشید چهره‌های مدرن از زن عربی ارائه کند، اما پس از آن یکی از خاستگاه‌های مهم زنان داعشی شد.

در سال ۲۰۱۲ هم‌زمان با افزایش نگران‌کننده شمار زنان جوانی که از شمال آفریقا به سوریه می‌رفتند و به داعش می‌پیوستند، دکتر آمل قرامی که استاد علوم اجتماعی در دانشگاه منوبه در شهر تونس، پایتخت کشور تونس بود، مطالعه درباره دلایل پیوستن زنان به داعش را آغاز کرد. او پیش از آن نیز کتاب‌هایی راجع به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی زندگی مسلمانان معاصر نوشته بود، اما حین نوشتن «زنان و تروریسم» با دشواری‌هایی کم‌نظیر روبه‌رو شد؛ از جمله آنکه به دلیل شهرتش مصاحبه با اعضای داعش برای وی ممکن نبود. پس در سال پایانی تألیف کتاب، یعنی از سال ۲۰۱۶ از مئنة العرفاوی، یکی از نویسندگان روزنامه تونس الصبح خواست تا به او بپیوندد.

بدین ترتیب با کتابی مواجهیم که بخش‌هایی از آن را آمل^۲ با نثری آکادمیک و بخش‌هایی را منیه با قلمی ژورنالیستی نوشته است. کتاب در ۵۴۰ صفحه وزیری و بر کاغذهای گاهی سبک و مرغوب چاپ شده و جلد گیرای این کتاب را شاعری به نام محمد النبهان طراحی کرده است: عکسی با کادر بسته از چشمان زنی پنهان پشت تفنگ؛ با نگاهی عجیب: توأمان غمگین و خشمگین، فروخورده، ولی در فکر هدف ...

زنان و تروریسم پژوهشی با رویکرد تقاطع‌باوری است.^۳ تقاطع‌باوری (اینترسکشنالیته) که در فارسی به تقاطع‌گرایی و نظریه میان‌برشی نیز ترجمه می‌شود و در عربی به آن التقاطعية می‌گویند، از نظریه‌های جامعه‌شناختی فمینیسم است که در آن عناصر متعددی که باعث سرکوب، جهت‌گیری و شکل‌یافتن یک سوژه شده‌اند، نه به موازات یکدیگر که در تقاطع با یکدیگر و با توجه به مناسبات و کنش و واکنش‌هایشان بر یکدیگر مطالعه می‌شوند. در مجموع می‌توان گفت این پژوهش بر اساس نظریات و روش‌های مدرن نیست، بلکه متکی بر نظریات پست‌مدرن و روش‌های تفهیمی است. پس در این تحقیق با نمودار و پرسش‌نامه و تحلیل‌های آماری روبه‌رو نیستیم؛ در عوض با انبوهی از مشاهده و مصاحبه و تفسیر مواجهیم: نوعی بررسی همدلانه از درون، در عین حفظ فاصله و زاویه دید یک پژوهشگر.

۱. برخی کارهای او عبارتند از: تألیف «فضیة الردة فی الفكر الإسلامی الحدیث»، «حرية المعتقد فی الإسلام»، «الإسلام الآسیوی»، «الإختلاف فی الثقافة العربیة الإسلامیة: دراسة جنديرية» و ترجمة «الحركات النسائیة فی تونس» از إلهام العزوفی.
۲. از حسن تصادف، «آمال» به معنی امیدها و «مئنة» به معنی آرزوهاست. گذاشتن چنین اسم‌هایی (اسم جمع مکتبر یا سالم) بر روی دختر، در عربی معاصر متداول است؛ مانند آلاء، آیات، احلام، عواطف، رواسی و ...

33. Intersectionality

النساء و الإرهاب: دراسة جندرية		
نویسنده	توضیح	عنوان اصلی بخش‌ها
آ	طرح مسئله. تأکید بر تنوع تجربه‌های افراد در پیوستن به تروریسم	مقدمه رقم ۱
م	نگاهی به مهم‌ترین عناصر مشکلات پژوهش و تألیف	مقدمه رقم ۲
آ	اهمیت مطالعات جنسیت در مطالعات تروریسم و خشونت. پیشینه پژوهش در غرب و جهان عرب. مهم‌ترین اشکالات مطالعات پیشین	الفصل الأول: دراسات الإرهاب و الجندر
آ	پیشینه تاریخی حضور زنان در جنگ. تصویرهای قالبی راجع به جنسیت و جنگ، جهاد و تروریسم	الفصل الثاني: جندرة القتال / الجهاد / الإرهاب
آ	بررسی جذابیت گروه‌های تروریستی و پارادایم‌های متقاطع مؤثر در پیوستن جوانان به داعش: سن، دین، شرایط اجتماعی و روانی و ...	الفصل الثالث: فتنة التنظيم و الجماعة أو «فی دواعی الإلتواء»
آ	بررسی شکل‌های حضور زنان در گروه‌های تروریستی: نقش‌های سنتی، حمایت‌های لوجستیک، جاسوسی، جنگ، تبلیغات، جهاد نکاح، عملیات انتحاری، بهره‌کشی از زنان و ...	الفصل الرابع: أدوار النساء داخل الجماعات المتطرفة و الإرهابية
م	گزارش و ترسیم پرتو‌هایی از چند زن مراکشی که با زمینه‌ها و انگیزه‌های گوناگون به تروریسم پیوستند، بر اساس مصاحبه با خود آنها، اطرافیان‌شان و نیروهای امنیتی	الفصل الخامس: الإرهابيات المغاربيات: «دراسة بورتريات»
م	ترسیم وضع خانواده‌های تروریست‌ها: درد و رنج و ننگ اجتماعی ارتباط با افراد تروریست	الفصل السادس: فی علاقة الأسر بالأرهاب: آلام و معاناة و وصم
آ	تحول هویت و شخصیت، از گذرنامه‌های جعلی تا تغییر نقش‌ها، از مردانگی هژمونیک تا زنانگی هژمونیک	الفصل السابع: الإرهاب و تشکل الهویات
م	تأکید بر فعالانه بودن و منفعل نبودن زنان در پیوستن به گروه‌های تروریستی	الخاتمة
آ	لزوم فهم دلایل پیوستن زنان در نظام عرضه و تقاضا. تقاضای زنان برای آزادی از تحمیل‌های پدرسالارانه و عرضه وعده‌های دروغین آزادی توسط تروریسم	على سبيل الخاتمة

* بخش‌های تألیف د. آمال قرامی با «آ» و تألیف منیه العرفاوی با «م» نشان داده شده است.

نویسندگان این کتاب در ضمن بیان نظرات خود به معرفی و نقد بسیاری از پژوهش‌های پیش از خود در حوزه مطالعات خشونت و مطالعات تروریسم و رابطه آن با مطالعات زنان پرداخته‌اند، به ویژه منتقد تفسیرهای آن دسته از پژوهشگران عربی‌اند که بیرون از ماجرا و بدون تحقیقات میدانی، نظریه‌های غربی را بر این نمونه‌ها انطباق داده‌اند و بدون آشنایی با دنیای افکار و عواطف این زنان، راجع به آنان اظهار نظر کرده‌اند.

قابل درک است که از دید یک محقق دین یا تحلیل‌گر اوضاع سیاسی منطقه، این کتاب به بسیاری از عوامل پیدایش و گسترش داعش نپرداخته است؛ مثلاً می‌توان جای خالی تحلیل دیدگاه‌های فقهی داعش، نقد خوانش‌های سلفی از دین، نقش کمک‌های مالی و نظامی حامیان دولتی داعش در منطقه و در آن سوی آب‌ها و مانند آن را دید، اما نویسنده کتاب تخصص و ادعایی در این دست از تحلیل‌ها ندارد و منکر اهمیت آنها هم نیست. او بارها - از جمله در مقدمه و خاتمه - گفته است: ما هنوز اول راهیم؛ زیرا این قضیه چندبعدی و نیازمند مشارکت محققان رشته‌های گوناگون است.

چکیده‌ای از محتوای کتاب

به نظر آمد که ارائه یک گزارش اجمالی برای این کتاب کم است؛ زیرا هم موضوع مهم و تازه است، هم برای خواننده ایرانی دسترسی به اصل کتاب دشوار است.^۴ از این رو بیش‌تر بخش‌های کتاب را خوانده، به دقت

۴. این کتاب را در بازار کتاب نجف اشرف (سوق الخویش، حرم حضرت امیر(ع)، روبه روی باب القبلة) یافته‌ام و در کتابخانه‌های در دسترس در قم و تهران پیدایش نکردم. البته ممکن است در کتابخانه‌ای در ایران باشد، اما اطلاعاتش هنوز وارد سایت پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه‌های

تلخيص کرده و در اینجا به همان ترتيب اصلي و از زبان مؤلفان آورده ام، اما نقد و اظهار نظر درباره روش و محتوای آن را به خوانندگان و منتقدان متخصص و انهدام.

مقدمه دکتري آمال قرامي

امروزه ديوار ميان حوزه های معرفتي فروريخته است. مطالعه یک پديده از زواياي مختلف، نیازمند مطالعات چندرشته ای^۵ و تقاطع باورانه^۶ است. ما [نویسندگان کتاب] هرچه گذشته، مطمئن تر شده ایم که مطالعه تروریسم نیازمند شاخه ها و روش های گوناگون تحلیل در علوم انسانی، از جمله ساخت گشایی^۷، تحلیل گفتمان، دین پژوهی، علوم ارتباطات و مطالعات خشونت است. (ص ۷-۸)

به نظر ما مهم ترین عاملی که زنان را جذب داعش کرده است، ایدئولوژی نیست، بلکه سبک زندگی^۸ است. داعش توانسته زانی از کشورهای گوناگون را متقاعد کند که با هجرت به «بلاد شام» و زندگی در «خلافت اسلامی» می توانند زندگی ای متفاوت را تجربه کنند.

دلایل کم توجهی به موضوع زنان تروریست: با این حال ارتباط زنان با تروریسم، به ویژه با داعش، در کشورهای عربی کمتر مطالعه شده است؛ زیرا:

- اکنون بیشتر مطالعات زنان [در کشورهای عربی] درباره انقلاب های عربی و «روایت بهار زنان» در آن است و تروریسم کمتر بررسی شده است.

- بعضی اصرار دارند که فعالیت های تروریستی دقیقاً طبق نقشه هایی انجام می شود که فرماندهان آن انجام می دهند. توجه رسانه ها و تحلیل گران معطوف به کسانی است که مسئولیت حوادث را به عهده می گیرند. از این رو مسائل مربوط به هویت و نقش اجراکنندگان در حاشیه می ماند.

- زنان موخ عرب از گردآوری اسناد و نوشته های زنان پیوسته به تروریسم امتناع می کنند.

- زنان تروریست دست کم گرفته و اقلیتی شاذ پنداشته می شوند.

- کلیشه ها و تصویرهای قالبی باعث می شود تا بسیاری از تحلیل گران گمان کنند که زنان را ارتباطی با خشونت و جرم و جنایت نیست و به خاطر دل نازکی و ترس ممکن نیست در عمل جزء سران تروریست باشند.

- مطالعه میدانی درباره تروریسم بسیار خطرناک است. با این حال تعدادی پژوهشگر زن غربی، از ابتدای پیوستن زنان سلفی به جهاد، آمدند و ذیل پروژه های مطالعه «کشورهای بهار عربی» شروع به مصاحبه و مطالعه آنان کردند.

- نهادهای دانشگاهی عربی برخلاف همتایان غربی خود به فکر تشکیل بخش هایی برای مطالعه پديده خشونت سیاسی و تروریسم نیستند و... (ص ۱۳-۱۶)

چهار دسته فعالیت زنان تروریست: زانی را که در این کتاب بررسی شده اند، می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

5. Interdisciplinary / تعدد الإختصاصات

6. Intersectionality / التقاطع بين الإختصاصات

7. Deconstruction / التفكيكية

8. Life style / نمط حياة

و به فراموشی سپارد.^۹ می‌پرسند چرا زن تونس که با سپر حقوق قانونی محافظت می‌شود، باید جذب گروه‌های تندرو شود؟ به نظر ما این سؤال، پیش فرضی را در خود دارد که می‌انگارد تمام زنان تونس مانند هم هستند و طرز فکر و آرزوهای واحدی دارند. حال آنکه چنین نیست. این موضوع بسیار پیچیده است و جا دارد که پژوهشگرانی از تخصص‌های مختلف (روان‌تحلیل‌گری، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی دینی، انسان‌شناسی زنان، مطالعات اسلامی، مطالعات رسانه و...) آن را بکاوند. (ص ۱۸-۱۹)

مشکلات پژوهش: در انجام این تحقیقات مشکلات زیادی داشتیم. به رغم وعده‌های وزارت داخله و برخی مسئولان تونس نتوانستیم با دختران و زنان تروریست و زندانی گفتگو کنیم. از این رو بسیاری از آنان را در فیسبوک دنبال می‌کردیم که آن هم پس از فیلتر فیسبوک توسط نیروهای امنیتی تونس در سال ۲۰۱۴ دشوار شد. از سویی خود جمعیت‌های تروریستی هم معمولاً به ما اجازه مصاحبه نمی‌دادند. گاهی در صورت داشتن ظاهری شبیه خودشان (حجاب و روبند و لباس‌های تیره بلند) اجازه گفتگو می‌دادند، در حالی که از زنان پژوهشگر غربی بدون این شرایط این پوشش هم استقبال می‌کردند و حتی آنها را در خانه‌های خود مهمان می‌کردند. این نشان می‌دهد که گاهی به رغم ادعای بی‌زاری از غریبان، عقده مقدس دانستن غریبان همچنان فعال است. (ص ۲۰-۲۱)

مقدمه منیة العرفاوی

داعش توان بسیاری در جذب زنان داشت. به ویژه که برخلاف تشکیلات القاعده، اجازه جهاد روانی و فیزیکی را به زنان می‌داد و توانست هزاران زن را به گردان‌های زنانه در شهرهای تحت فرمانش در عراق و سوریه بکشاند. در این گروه‌ها به پابندی به ظاهر شرعی به ویژه حجاب بسیار توجه می‌شد و هر آنچه «موجب اخلال در تعالیم شریعت» بود مجازات می‌شد. مشهورترین و خشن‌ترین این گردان‌ها، گردان خنساء^{۱۰} بود که طبق گزارش‌های بین‌المللی بیش از هزار زن، اغلب از کشورهای غربی، عضو آن بودند و سران آن زنانی از عربستان، بریتانیا، تونس و... بودند، اما چرا زنانی با اراده خود به خون‌ریزترین گروه‌ها می‌پیوندند تا در «خلافت اسلامی» - به زعم خود - مفاهیم دینی و تمدنی را که قرن‌ها از آن گذشته است احیا کنند؟ (ص ۳۱)

۹. کشور تونس حقوق مدرن بسیاری را برای زنان به رسمیت شمرده است. از سوی دیگر سخت‌گیری‌هایی را علیه حجاب روا داشته که حتی مثلاً در فرانسه بی‌سابقه بوده است. (مانند بی‌حجابی اجباری در عکس‌های کارت شناسایی و گذرنامه)

۱۰. کتیبة الخنساء



۱. همسران، مادران و دخترانی که به تبع شوهر، پسریا پدرشان به داعش پیوسته‌اند.
۲. زنانی که خود به افغانستان، مالی، سوریه، عراق و لیبی آمده، آموزش نظامی دیده و به تشکیلات داعش پیوسته و به عنوان عضوی از آن زندگی می‌کنند. اغلب این دسته از غرب (اروپا و امریکا) آمده‌اند (با تبار عربی یا غربی).
۳. زنان انتحاری که آموزش‌های ویژه دیده‌اند و به دقت گزینش شده‌اند. اکثر این دسته نیز از کشورهای غربی آمده‌اند و روند عضوگیری و متقاعدسازی آنان مورد توجه بسیاری از زنان پژوهشگر بوده است.
۴. زنان مروج ایده‌های داعش که کارشان تبلیغ و عضوگیری از میان جوانان است و فضای فعالیتشان یا سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی است یا خانه‌ها، مساجد، مراکز آموزشی، چادرهای دعوت و... (ص ۱۷ و نیز فصل ۴)

یکی از معنای این مطالعات، شمار بالای زنان جوان تونس است که به «بلاد شام» مهاجرت می‌کنند. این مسئله توجه و انکار و شگفتی بسیاری از افراد و رسانه‌ها را برانگیخته است. دولت پیشین تونس بسیار تلاش کرده بود که کلیشه‌ای نوین از زن تونس ارائه کند: زنی مؤمن به لیبرالیسم و نمونه‌ای مفتخر به دستاوردهای مدرن و می‌کوشید که سایر تصاویر از زن تونس را سرکوب کرده

است، اما در فتواهای سلفیان معاصر مانند زرقاوی و ابن باز چنین نیست. (ص ۵۷-۶۶)

از نظر زرقاوی، رئیس سابق القاعده، در حالت بسیج عمومی به فرمان امام و ولی امر مسلمانان، حتی زنان متأهل می‌توانند بدون اجازه شوهر به میدان جنگ بروند؛ زیرا حق خدا مقدم بر حق همسر است. ابن باز فتوا داده است: اگر زن آمادگی تحمل سختی‌های جنگ را داشته باشد، حق دارد که در جنگ شرکت کند. البته جهاد ابتدایی بر او واجب نیست، اما جایز است. در تبلیغات گروه‌های سلفی معاصر مانند حماس، القاعده و جبهة النصرة نیز با بازخوانی نقش زنان صحابی و الگو قرار دادن زنان انتحاری فلسطینی از «حق» زن برای شرکت در عملیات انتحاری و «آزادی شرکت در جنگ» سخن گفته می‌شود. در تبلیغات رایج در شبکه‌های اجتماعی این گروه‌ها نیز زنان مبلغ، تبدیل به شمایل‌هایی نمادین^{۱۴} برای دعوت به جنگ شده‌اند. (ص ۶۷-۷۲)

اما آیا این تغییرات به معنای نوعی بیداری زنانه و دادن حق تغییر سرنوشت و اعمال اراده زن - گرچه با رویکردی غیرمسالمت‌آمیز - است؟ آیا این صداها تلاشی برای برانگیختن زنانی است که در جایگاه «قربانی» اند؟ آیا تصمیمی آزاد و سرچشمه گرفته از خودآگاهی و مسئولیت‌پذیری^{۱۵} است؟ به نظر ما این پرسش‌ها به قدری که در گفتگوهای شفاهی مطرح است، در رسانه‌های مکتوب بازتاب نیافته است. خواهیم دید که این انتخاب‌ها کاملاً آزادانه نیست و عواملی فراگیر، ترکیبی و متقاطع در آن دخیل است.

فتنه تشکیلات و گروه: انگیزه‌های عضویت

در فصل سوم گفته شده: دلایل جذب جوانان به گروه‌های سخت‌گیر و تروریست آسان نیست، چون پارادایم‌های^{۱۶} بسیاری مانند طبقه اجتماعی، نژاد، سن، جنسیت، دین و ... با آن «تقاطع» می‌یابند. در اینجا تنها چند پارادایم را بررسی می‌کنیم:

۱. سن: مهم‌ترین راه جذب نوجوانان، به ویژه نوجوانان غربی به داعش، فضای مجازی است. نوجوان - چه دختر، چه پسر - در این فضاها، اثبات خود، مشارکت، اراده کردن، ارتباط با دیگران، ماجراجویی و قهرمان شدن را تجربه می‌کند. بیشترین تبلیغات

پرسش دیگری که حق داریم در پی‌اش باشیم این است: آیا این زنان سرانجام در سرزمین خلافت به آنچه در جستجویش بودند، به آن «بهشت انسانیت» گمشده^{۱۷} رسیدند؟ در مورد اغلب زنانی که با عزم جزم پا به «جهان پرچم‌های سیاه»^{۱۸} گذاشتند، پاسخ این پرسش بسیار دردناک و بهت‌آور است. آن روی تاریک و سیاه تشکیلات هنگامی خود را نشان می‌دهد که زنان با بهره‌کشی شدید جنسی روبه‌رو می‌شوند و درمی‌یابند که چون کالایی در حال خرید شدن و فروش رفتن در بازارهای «نخاسه» اند و تحت عنوان «جهاد نکاح»، جهت افزایش آمادگی مجاهدین، به سوی بسترهای آنان رانده می‌شوند؛ جهادی که ازدواج با مردان جنگجو را برای بانوان مسلمانی که بالای ۱۴ سال داشتند و مجرد یا مطلقه یا بیوه بودند، راهی برای رفتن به بهشت می‌داند؛ ازدواجی که می‌بایست بیش از چند ساعت نباید تا مردان بیشتری از فرصت تجربه آن برخوردار شوند.

فتوای جهاد نکاح در ماه مارس ۲۰۱۳ به شکل یک توییت در توییتر محمد العریفی، یکی از داعیان (مبلغان) عربستانی داعش صادر شد و به سرعت در رسانه‌های داعش منتشر شد و تلاش شد با اظهاراتی شگفت‌انگیز که در پی آن آمدند و به گواه عموم فقها اسانیدی ضعیف داشتند، آن را فتوایی شرعی نشان دهند. همچنین از آغاز دسامبر ۲۰۱۴ سندی مهم در رسانه‌های داعش منتشر شد که عبارت بود از راهنمای برخورد با زنان با عنوان «اسیران و بردگان»^{۱۹} که در آن، فقهای تشکیلات داعش روش‌های نکاح با زنان اسیر را در پاسخ به ۳۲ پرسش شرح داده بودند. (ص ۳۱-۳۳)

جنسیت در جنگ / جهاد / تروریسم

در فصل دوم کتاب آمده است: اعمال خشونت، جنگاوری و جوانمردی عموماً جزئی از تربیت مردانه به شمار می‌آید و حتی در شرایط جنگی از زن انتظار می‌رود کارهایی چون پرستاری و آشپزی را انجام دهد. نویسنده در این بخش، نمونه‌هایی از ادبیات کلاسیک عربی درباره جنگ و زنان آورده است و عنوان فصل‌های مرتبط با جهاد و زن را از مهم‌ترین کتاب‌های حدیثی (شرح عسقلانی بر بخاری - صحیح مسلم) فهرست کرده است. سپس با آوردن نمونه‌هایی از تاریخ (از بخاری، مصنف عبدالرزاق، ابن قدامه و موسوعه‌های معاصر) نشان داده است که در تصور کلاسیک عربی، زن وظیفه‌ای در قبال میدان جنگ نداشته

۱۴. آیقونات - آیکون‌ها

۱۵. نابعا من وعی ذاتی و ارادة مسؤولة

۱۶. در متن عربی واژه «برادیغمت» و «برادغمت» آمده است که آن را در فرهنگ‌های عربی چاپی و آن‌لاین نیافتیم، ولی باید معرب واژه فرانسوی Paradigme (با تلفظ برادینگم) باشد که در زبان فارسی از انگلیسی Paradigm گرفته شده و به تبع انگلیسی، حرف g در آن خوانده نمی‌شود.

۱۱. «فردوس الإنسانية». عبارت‌های داخل گیومه، در خود کتاب هم در گیومه آمده است؛ به این معنی که در منابع دست اول، عیناً به همین شکل ذکر شده است.

۱۲. «عالم الرايات السود»

۱۳. «السبي والرقاب»

چندی پیش دغدغه خود را کفش پاشنه بلند و خیابان گردی در لندن می دانسته، اما اکنون با افکاری رادیکال به «دولت اسلامی» پیوسته و در پی بریدن سرروزنامه نگار هم وطنش برآمده است. (ص ۹۷)

۳. وضعیت اجتماعی و روانی: احساس نقص و کمبود، بحران نوجوانی، خودشیفتگی، ناامیدی، احساس تنهایی و احساس غربت در میان خانواده، نوجوان را به سوی زندگی شبانه روزی پای کامپیوتر و با گروه های تروریستی سوق می دهد. آنها نزد شیخ به گناهان خود - مثلاً شراب خواری یا فرارگذاشتن با جنس مخالف - اعتراف می کنند و به این نتیجه می رسند که کفاره گناهانشان جهاد است. پس برای پذیرش توبه، بمب گذاری می کنند، سر می برند، به لیبی و سوریه می روند و به سخن ابن بطوطه استناد می کنند که «هرکس گناهش بسیار بود، بهترین دارویش جهاد است». (ص ۹۸-۱۰۲)

۴. طبقه: بیشتر افرادی که به القاعده پیوستند از طبقه متوسط و نسبتاً مرفه بودند. معمولاً در تصویری که رسانه ها ترسیم می کنند، تروریست فردی است با تحصیلات عالی و از خانواده ای مرفه که مانند الظواهری پزشکی خوانده یا مانند بن لادن دانش آموخته دانشگاه های لندن است، ولی تحقیقات نشان می دهد کسانی که این اواخر به داعش پیوستند، بیشتر از طبقات متوسط و فقیر و به ندرت از خانواده های مرفه بوده اند.

آیا جنسیت هم یکی از عوامل جذب است؟ در واقع بسیاری دلایل جذب شدن به گروه های تروریستی، برای مردان و زنان یکی است و جنسیت پارادایم تعیین کننده ای در آن نیست. برخی از این دلایل عبارتند از: کلیشه های تربیتی پدرسالارانه که اطاعت را مهم تر از تفکر انتقادی می داند یا توخشی نظام جهانی سرمایه داری که اهمیتی برای ساده ترین آرزوهای افراد قائل نیست یا مثلاً این نکته که بیشتر افرادی که به داعش می پیوندند، دختران و پسران مجردند و مسئولیت خانوادگی مانع پیوستن برخی افراد به داعش است و یا ایده هایی مانند رؤیای بازگشت به دوران فتوحات، مبارزه با امپریالیسم، تشکیل کولونی نوین، انقلاب برای تغییر مسیر تاریخ، اعتقاد به اینکه عرب فقط از حرف زور فرمان می برد، اعتقاد به محصولات دینی «فست فودی» (جذاب و سطحی و بی ثنیه) و سرانجام آرزوی زیستن در آرمان شهری (مدینه فاضله ای) که در آن حتی برای ازدواج، نژاد مهم نیست و افراد فقط بر اساس دین تقسیم می شوند و تمام نظام های جاهلی و طاغوت و کافر را برخواهد

داعش از راه اپلیکیشن های گوشی های هوشمند، شبکه های اجتماعی، بازی های گوشی و گیم نت و برنامه های چندرسانه ای از جمله سرودهای جهادی است که با آهنگ های رپ قابل مقایسه است. برای نوجوانان سبک زندگی جهادی - داعشی مهم تر و مؤثرتر از ایدئولوژی و مفاهیم مذهبی است. (ص ۸۲-۸۶)

۲. دین: دین نقشی مهم در شکل گیری هویت و جهان بینی جوانان دارد. از دید مخاطبانی که جذب داعش می شوند، داعش در پی نوسازی اسلام و همگام سازی آن با جریان جهانی شدن است. در تبلیغات داعش از میان مسائلی گوناگون دینی، تأکید زیادی بر عبادت و احکام، به ویژه حجاب و روبنده می شود، ولی این احکام نه از راه خواندن متون شرعی و با بحث و جستجو، بلکه در ارتباط با داعیان و پیشوایان داعشی و از راه سخنرانی های تلویزیونی و اینترنتی پرشور تکفیری آموزش داده می شود. نوجوانان می پندارند که با پیوستن به گروه های جهادی می توانند به آرامش و اعتماد به نفس برسند. برخی دختران پیوسته به داعش گفته اند که مرد رؤیاهایشان جوانی سلفی است که دوست دارند از او معارف دین را بیاموزند و به خاطرش با حجاب شوند و روبند بزنند. (ص ۹۲-۹۴)

یکی از عوامل پیوستن نوجوانان غربی مسلمان تبار به داعش، انزوای اجتماعی، به حاشیه راندگی و احساس طردشدگی آنان در غرب است. اکثر جوانانی که از اروپا به داعش پیوستند از نسل چهارم و پنجم مهاجران بوده اند، اما هرگز حس نکرده اند که برای مثال یک فرانسوی یا آلمانی یا یک بلژیکی واقعی اند. این دسته اغلب ناگهان به دین رو آورده اند؛ مثلاً بیشتر جوانان تونس تبار عضو داعش تا چند ماه پیش از سفر به سوریه، غرق در الکل و مواد مخدر زندگی می کرده اند و ناگهان تحویل یافته اند. در مورد این دسته، تحلیل تجربه فردی^{۱۷} مهم تر از تحلیل شرایط اجتماعی و اقتصادی است. آنها تحت تبلیغات داعش، دچار عذاب وجدان و احساس گناه شدید بابت زندگی در نظام های کافر می شوند. (ص ۹۵-۹۶)

برخی محققان غربی بر این باورند که دست کم اروپاییان اصیلی که داعشی می شوند، از روی احساس مسئولیت و حس انسان دوستی و برای کمک به مردم ضعیف و «بی تمدن» عرب در مقابل امریکا و انگلیس است که عضو داعش شده اند. برای مثال می توان به اظهارات زنی داعشی و بریتانیایی (غیرمهاجر) اشاره کرد که تا

17. تجربه فردی / Auto-radicalization

چید و محرومان را به نوایی رسانده و اسلام سنی را بر جهان حاکم خواهد کرد.

همچنین نباید از نقش پول در این میان غافل شد. صدها گروه خیریه مذهبی، برای داعش کمک مالی جمع می‌کنند. تنها در تونس بیش از ۱۲۰ گروه نشر سلفی‌گری از جمعیت‌ها و گروه‌های عربستان سعودی کمک مالی دریافت می‌کنند. یکی از تروریست‌های مشهور در این تجارت پُرسود، سامی الصید است که «سلطان کاروان‌های خیریه»^{۱۸} خوانده می‌شود. کاروان‌های خیریه در وسط بازار و میدان‌های شهر چادر می‌زنند و باده‌ها مسجد در ارتباط اند. بسیاری از جوانان در ازای دریافت پول وارد فعالیت‌های تروریستی می‌شوند. (در جای دیگری از کتاب، ص ۱۶۷-۱۶۹، آمده: تصویری که از زندگی در آرمان شهر داعش نشان داده می‌شود، تصویری پُرزرق و برق و لاکچری است؛ طوری که برخی آن را «جهاد پنج ستاره» نامیده‌اند. البته این موضوع از سرسختی بسیاری از آنان در اعتقادات نمی‌کاهد، اما در هر حال یک روی پنهان فعالیت‌های تروریستی، بهره‌کشی از فرصت‌های مال‌اندوژی و پرداختن به دو فعالیت هم‌زمان است: قاچاق و تروریسم.^{۱۹} (ص ۱۱۸-۱۲۰)

در ادامه این فصل، مطالعات غربی درباره جنسیت و تروریسم، تروریسم اسلامی و زنان تروریست به تفصیل نقد شده است. در اینجا تنها چند نمونه از نقدها را به اختصار می‌آوریم: تحقیقات محققان غربی در یک سطح و با دیدگاه و تحلیل‌های یکسان نیست. در تحقیقاتی که توسط پژوهشگران زن غربی راجع به حضور زنان سریلانکایی، چینی و فلسطینی انجام شده، گرایش تحلیل‌ها آن است که در این تشکیلات، کنشگر اصلی مردان اند و زنان در همه حال منفعل و تابع‌اند و رفتارهایی چون بمب‌گذاری و انتحار، از سرگرایش به خودنابودگری یا احساس پستی و فشار ننگ اجتماعی است.

تحقیقاتی که در حوزه دین و جنسیت است، این امتیاز را دارند که توجه کرده‌اند که کیفیت رفتار با زن چه تأثیری در جذب زنان به گروه‌های تندرو داشته است و اشاره کرده‌اند که چگونه گروهی - گرچه اندک - از زنان توانسته‌اند با متون دینی بازی کنند و به کارهایی چون انتحار و سربریدن و سوزاندن مشروعیت بخشیده‌اند. با این حال بیشتر این پژوهش‌ها نقش انگیزه‌های

ایدئولوژیکی، اعتقادی و سیاسی را دست‌کم گرفته‌اند.

در برخی از اینها تحقیقات از دیدگاهی مادرگرایانه^{۲۰} گرایش زنان به این گروه‌ها را از روی حس مادری و برای کمک به ضعیفان دانسته‌اند. در مقابل، گروهی دیگر، زن را نه تابع مرد که شریک مرد در خشونت سیاسی و قتل و نابودگری دانسته‌اند.

برخی دیگر که اقدامات «زنان تروریست» تحت اشغال، مانند زنان فلسطینی و جنوب لبنان را از روی فشار ناشی از ظلم اجتماعی دانسته‌اند، به تمایز میان تروریسم و مقاومت در برابر اشغال شدن توجه نکرده‌اند و در تعمیم نابه‌جایی سقوط کرده‌اند. به نظر ما گرچه در همه عملیات‌های انتحاری، نابودی خود وجود دارد، اما هیچ انتحاری ای شبیه انتحاری دیگر عمل نمی‌کند و انگیزه‌ها از زنی به زن دیگر متفاوت است، چه رسد به ارتباط دادن میان عملیات استهدادی زنانی که آگاهانه فدا شدن برای آزادی وطن را برگزیده‌اند، با عملیات زنانی مثلاً از القاعده که با انگیزه‌های دینی و با ادعای جهاد صورت می‌گیرد. در عراق بدن زن وسیله‌ای برای تبلیغات سیاسی داعش و تاکتیکی در راستای هم‌زدن موازنه قوا در برابر نیروهای امنیتی است یا مثلاً در چین به زنان انتحاری با این دید نگریسته می‌شود که در پی انتقام خون همسران اند. (ص ۱۳۰-۱۳۷)

آنچه مسلم است آن است که نمی‌توان انگیزه‌های این زنان را ساده‌انگارانه فقط به چند انگیزه مادی یا جنسی یا اعتقادی تقلیل داد. زنانی که زندگی مرفه در کشورهای ثروتمند خلیج را ترک می‌کنند و زندگی در کوه و غار را در پیش می‌گیرند، با زنانی که از کشورهای با بحران اقتصادی می‌آیند و با دیدن لباس فاخر و شکلات‌های نوتلا به وجد می‌آیند تفاوت دارند. تشکیلات داعش در تبلیغات خود، نه تنها متوجه تفاوت‌های بین دو جنس هست، بلکه به تفاوت‌های فردی و شخصیتی و سبک پرورش زنان مخاطب نیز توجه می‌کند.

زنان جوان نیاز به الگوهایی از رهبری و پیش‌روی دارند. در فضای بازی که پس از بهار عربی برای رسانه‌ها پیش آمد، زنان مجاهد سلفی توانستند در سایت‌ها و صفحات فیس‌بوک چهره‌ای تأثیرگذار از زن تروریست ارائه دهند و نوعی جنبش زنانه را با نمادهایی به‌یادماندنی از زنان قدرتمند سلاح‌به‌دست به تصویر بکشند. پس در واکنش به این پرسش که چرا جوانان ما به‌ویژه دختران جوان به آغوش جهادگران تندرو افتادند، نباید از بررسی

۱۸. «أمیر قوافل الخیریه»

۱۹. التهریب والتهریب

۲۰. رؤية أمومية / Maternalism

